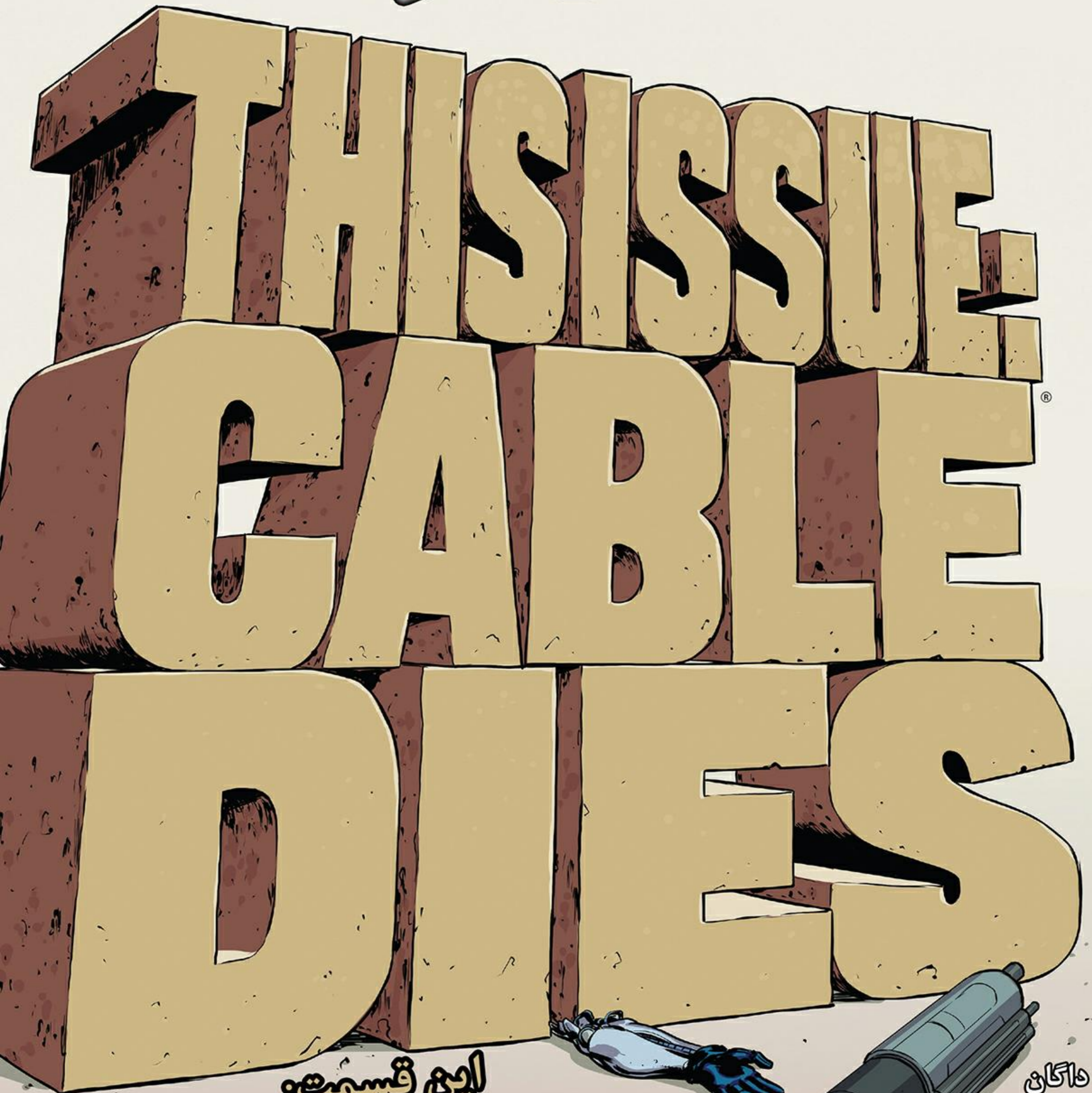


290

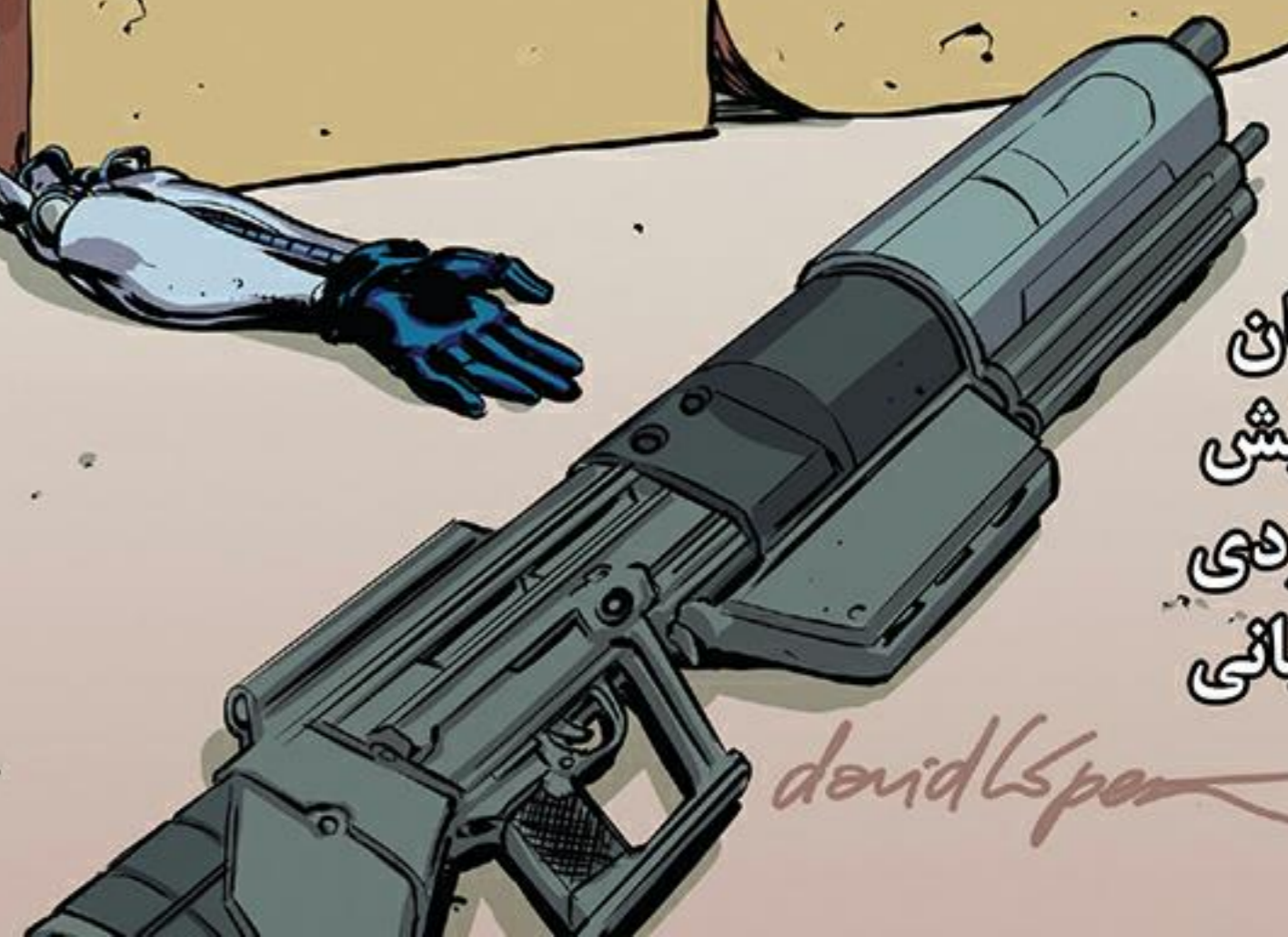


تفرت انگیز ددپول



این قسمت:
کیبل میمیره

داگان
کاپلشی
فیلاودی
کلاتیانی



David Lopez

اگه بهترین مزدور جهان نباشه، قطعا رو مخترینشون هست. وید ویلسون برای بخشی از یک برنامه‌ی فوق سری از سوی دولت انتخاب شده بود که تصادفا بهش قدرت ترمیم از هر زخمی رو داد. برای مدتی وید سعی میکرد تا یک قهرمان باشه. از جمله کسانی که برای این کار بهش انگیزه میدادن میشه از اونجرز، اکس من و مرد عنکبوتی نام برد. ولی تنها چیزی که از این تلاش‌ها گیرش اومد درد بود. دیگه این چیزا رو فراموش کنین. حالا دیگه برگشته تا کاریو کنه که توش بهترینه ...

دِدپول

نفرت انگیز

سلام همگی.
منم دِدپول. اونیه که
اون پشته هم کیبله.

من مزدور
وراجم و اونم سرباز
اخمو.

قبلا مثل دوتا
لوبیا میموندم که
همیشه پیش همیم، ولی بعدش
من یه ماموریت گرفتم که
لهش کنم.

البته اینطوری هم
نیست که فکر کنین بی دلیل
این کارو کردم! یه کلون شیطانی کیبل
از آینده به من کمک کرد که دخترمو از
یه ویروسه خطرناک میمونی نجات بدم، و
در عوضش ازم خواست کیبلو
بکشم.

اون خودشو
استرایف صدا میکنه. میمونه نه‌ها،
کلونه رو میگم.

میمونه اسمش
بتسسی بود، توی سریال
فرندز هم بازی کرده بود.

به هر حال، من
سعی کردم کیبلو بکشم، ولی
خیلی موفق نشدم، هنوز نشدم. حالا
بهم گفته که میتونه کمک کنه کلا
از این کار در بیام.

ولی جلد این
قسمت که میگه قراره
کیبل بمیره، پس ...



L'L DEADPOOL ART BY
IRENE Y. LEE

دِدپول کیبل را میکشد بخش چهارم: "خدا به همراهات"

GERRY DUGGAN WRITER SCOTT KOBISH ARTIST NICK FILARDI COLORIST
VC'S JOE SABINO LETTERER DAVID LOPEZ COVER ARTIST
GERRY DUGGAN, SCOTT KOBISH, GURU-EFX, & VC'S JOE SABINO SECRET VARIANT COMIC R.B. SILVA & NOLAN WOODARD PHOENIX VARIANT COVER
ANNALISE BISSA & HEATHER ANTOS ASSISTANT EDITORS JORDAN D. WHITE EDITOR

COMIC CITY

کاری از

www.comic-city.ir

احمد کلاتیانی مترجم و ویراستار

© 2017 Marvel Characters, Inc. All rights reserved. All characters featured in this issue and the distinctive names and likenesses thereof, and all related indicia are trademarks of Marvel Characters, Inc. No similarity between any of the names, characters, persons, and/or institutions in this magazine with those of any living or dead person or institution is intended, and any such similarity which may exist is purely coincidental. WWW.MARVEL.COM



یه جای امن
میخوام که یه تماس
مطمئن بگیرم.

باشه، بذار برسیم.
پناهگاهم نزدیکه.



واسه رسیدن به
مخفیگاهت باید
مترو سوار شیم؟

شرمندم دیگه قربان،
به راننده‌ام بعد از ظهر
مرخصی دادم.



در ضمن، مترو
هم قرار نیست سوار
شیم.

همینجا توی خود
متروئه.



مخفیگاهت
اینه؟!؟

یه ایستگاه متروئه
متروکه؟!؟



به هر حال ... اینجا جای خطرناکیه. مگه کارکنان هنوز از اینجا رد نمیشن؟

هرچی که میخوام داره. برقشو تقسیم کردم و یه سیستم تور هم واسه ارتباطش وصل کردم.

آره، موقع هایی که داره خوش میگذره زمانم زود میگذره.

خیر سرت مگه تا همین بیست دقیقه پیش اونچر نبود؟

تازه رسما هرجاش هم بخوام میتونم دستشویی کنم.



ام. نه. هنوز ندیدم اینجاها بیان.



کیبل صحبت میکنه. میخوام یه زنگ به همین خط تو ۲۰۱۷ بزنم.



یه کی زنگ میزنی؟

یه نسخه از آینده خودم. یه نسخه بدبخت تر از آینده خودم که شدیداً آسیب دیده بود و الان به عنوان یه برد سوییچ زندگی میکنه.

کیبل پیر مرد؟!

دیگه کلا ایده جدیدی نداریم اینجا؟!



ویدا؟

وای خدا! از همیشه رو مخ تر و بد اخلاق تری!



دهنتو بندو گوشو بده دست من.



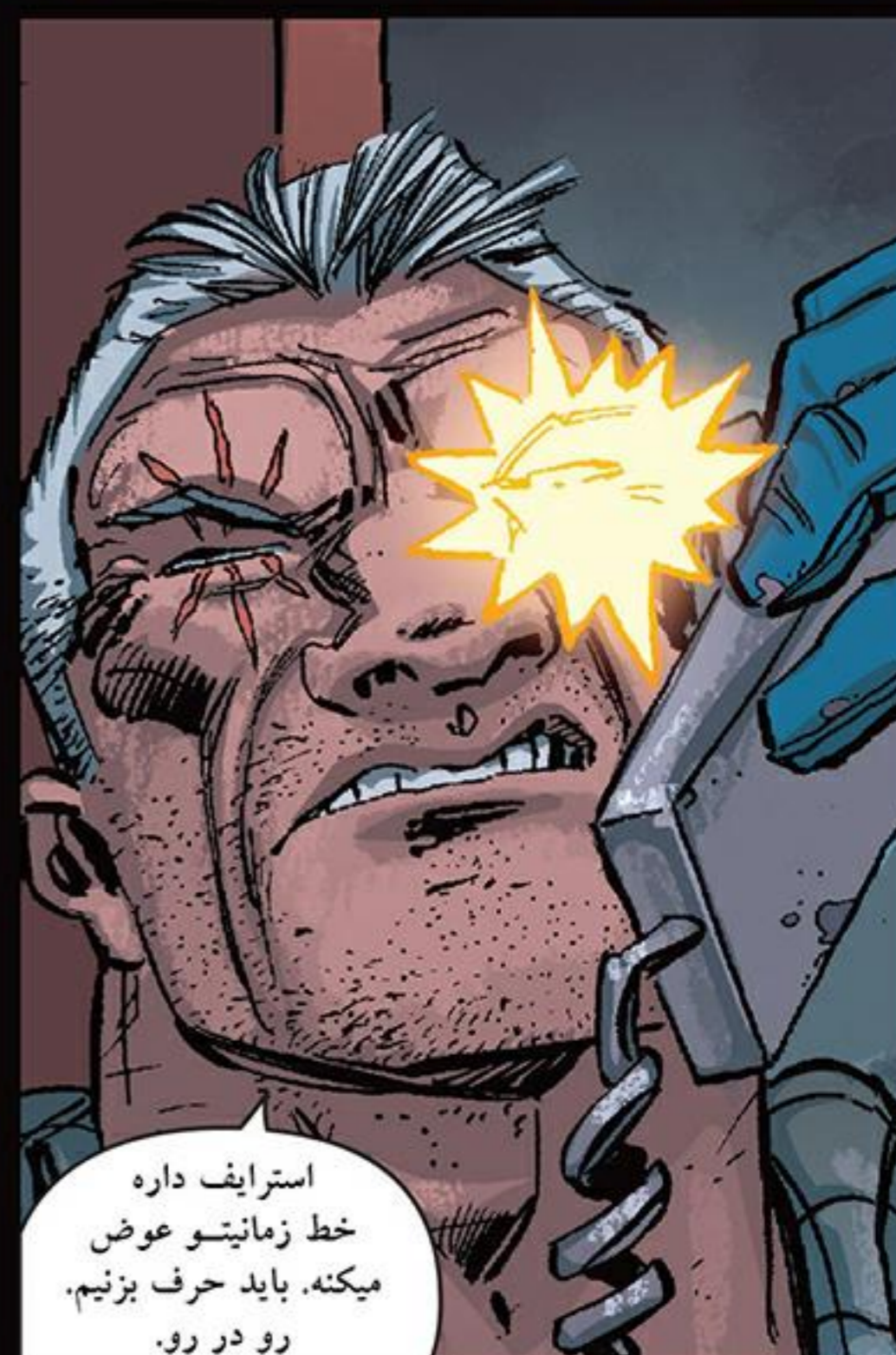
ایش!



یه اوضاعی پیش اومده.



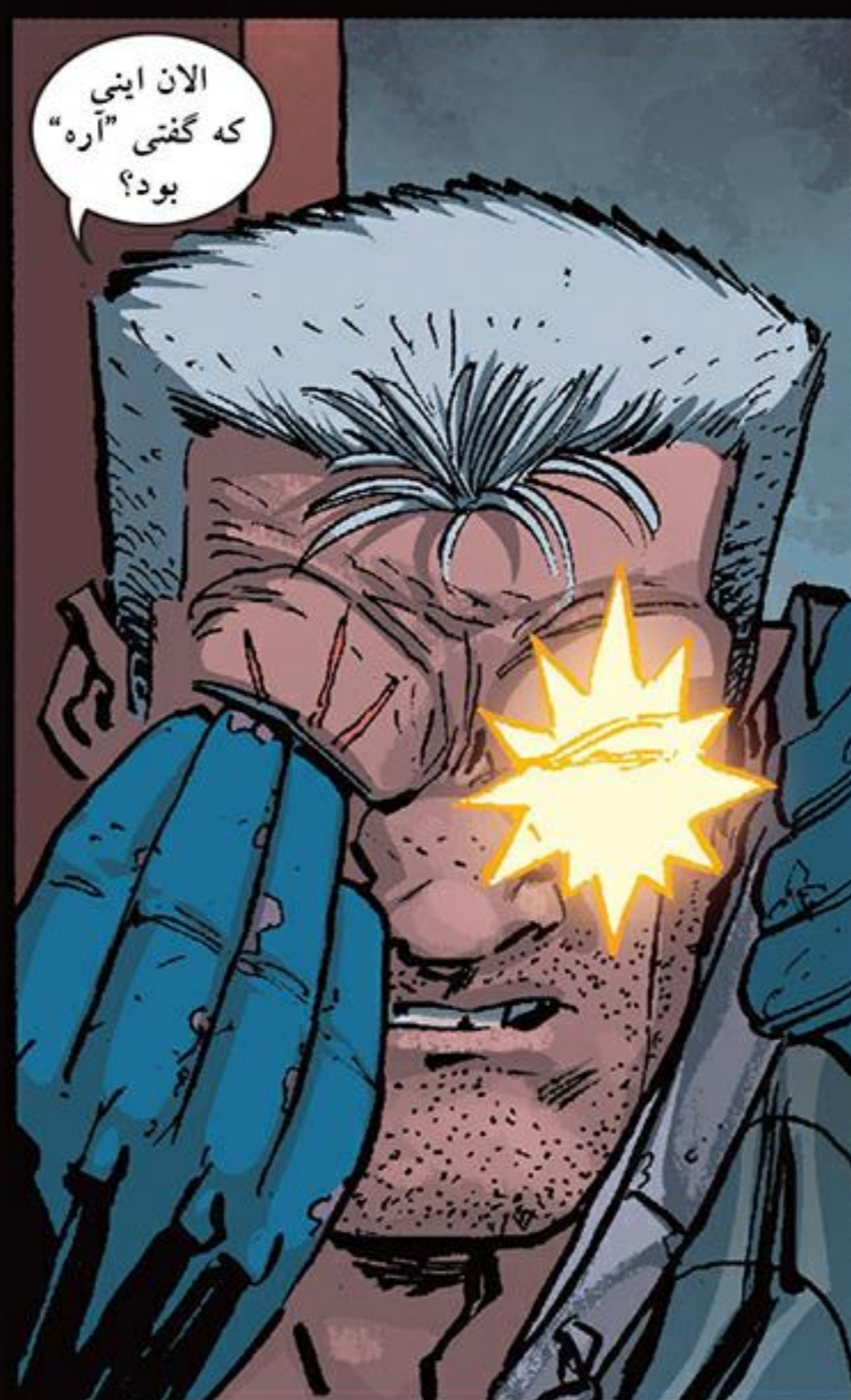
خب حلش کن.



استرایف داره خط زمانیتو عوض میکنه. باید حرف بزنینم. رو در رو.



6%#\$&\$!



الان اینی که گفتی "آره" بود؟



...

نقطه‌ی اتصال. ۶۷ سال دیگه.



بریم از این توالِت بیرون.



هی، این توالِت خونه‌ی منه!

خب، حرف از آینده شد ... میشه برگردیم به عقب و جلوی کاپیتان آمریکا رو ...

نه، دیگه خیلی از اون قضیه گذشته!



مواظب باش، این خط هنوز کار میکنه.

میدونم، نزدیک بمون. از اینجا بیرون بله.

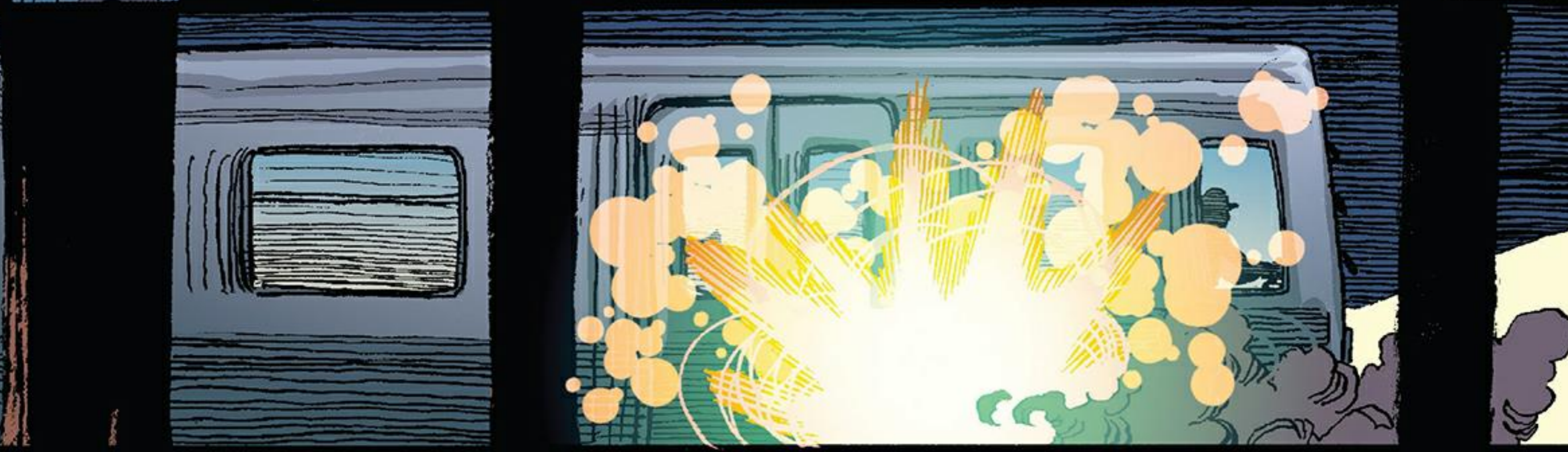


آماده باشید. ۷۷ سال دیگه میبینتون.



هی! به کم کارمون خطرناک ...

نزدیک بمون!





لحظاتی بعد، در
سال ۲۰۸۴

به سال ۲۰۸۴
خوش اومدی.

بعد از اینکه از
گرمایش زمین به عنوان
اسلحه استفاده کردن اوضاع
خیلی به هم ریخته.

پس ...
همه تو این خط
زمانی مردن؟

نه، همه نه ...



... خون آشاما
وضعشون خوبه.

BR
KOP



AAAAAAAAAAAA



حداقل اونایشون
که به پست من
نمیخورن.

بجنب، باید تا
شب نشده بریم به
ایستگاه پن.

ایستگاه قطار
چیکار داریم؟ میریم
کیوتر بخریم؟ تازگیا به
یه همراه جدید فکر
میکردم و ...

وید، خفه
شو.



هوا که تاریک
میشه، اینجا به کم
ناخوشایند میشه.



همم.
مثل اینکه به علامت
صلح و اینا هم اعتقادی
ندارن.

تو روشنائی باشیم
جامون امنه دیگه، نه؟



وااای!

هیسسس!
هیسسس!



هه.

آدم اینطوری انتظار
داره، ولی درواقع دارن به
نور هم عادت میکنن.



چرا پس
کاریشون نمیکنین!؟

کاریشون کنیم!؟

اونا به قابلیت
امنیتی برای ما
حساب میشن!



بین
کی اومده!

من تیغ
واسه این اتفاقا
مقصر میدونم ...

آآآآآ!



پادشاه
دلک عزل
شده ما.



جالش اینجاست
که تو تیغ رو مقصر
میدونی ...



... در حالی مرد که
داشت تو رو واسه اومدنه ما
نفرین میکرد. شیکلاه و ارباب
دراکولا وقتی دوباره برگشتن
دیگه چیزی جلودارشون
نبود.



ها ها
ها ها ...



مسخره بازی
در نیار. باید با هم
بریم تو، یا کلا نمیتونیم
بریم تو ...

حرکتو حال کردی
کیبل!!
خوش
گذشت.



تنها چیز خوبی
که راجع به این آینده وجود
داره اینه که ایستگاه پن قدیم
هیچوقت از بین نرفته.

اینجا الان
کاربردش چیه؟



به مخفیگاهه که
مردم هم نظر میتونن بیان
و نگران نقشه‌های بعدیشون باشن
بدون اینکه تحت حمله قرار
بگیرن.

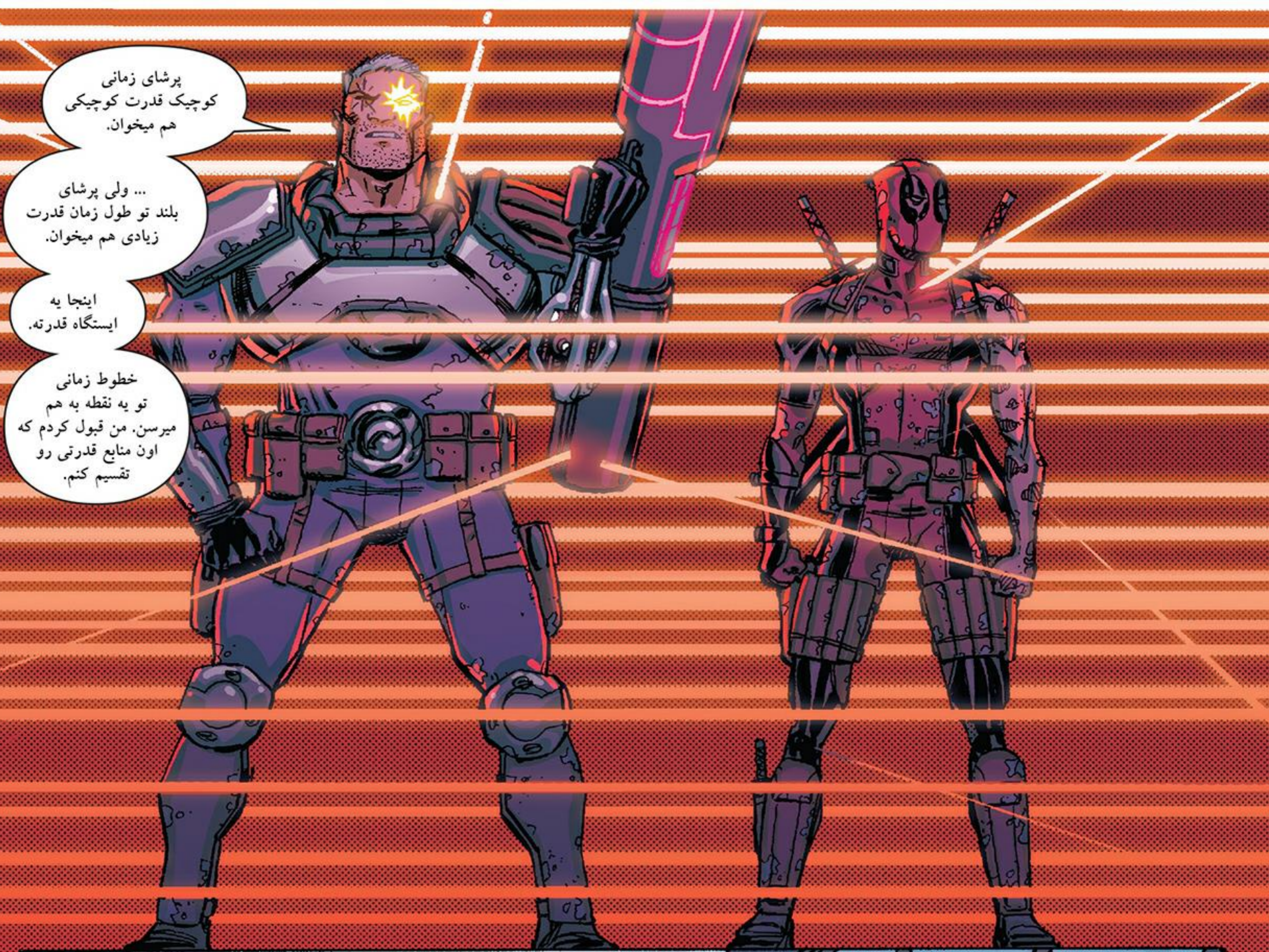
به جز ما دیگه
داریم راجع به کیا
حرف میزنیم؟



آماده‌ی اسکن
باشین.

اینجا به کلوب
خیلی خاصه.

منم با یکی
دیگه.



پرشای زمانی
کوچیک قدرت کوچیکی
هم میخوان.

... ولی پرشای
بلند تو طول زمان قدرت
زیادی هم میخوان.

اینجا به
ایستگاه قدرته.

خطوط زمانی
تو به نقطه به هم
میرسن. من قبول کردم که
اون منابع قدرتی رو
تقسیم کنم.



اسکن کامل
شد.

مرسی بله.

دارن دقیقا
واسه چی اسکن میکنن؟
ما تا دندان مسلحیم.



چک میکنم
که استرایف
نباشیم.

تو یکی از آیندهها
اون به سری کلون میفرسته
اینجا که حتی خودشونم نمیدونن
که من نیستم.

با بقیه حرف نزن.
اونا هم نمیخوان که با
تو حرف بزنن.

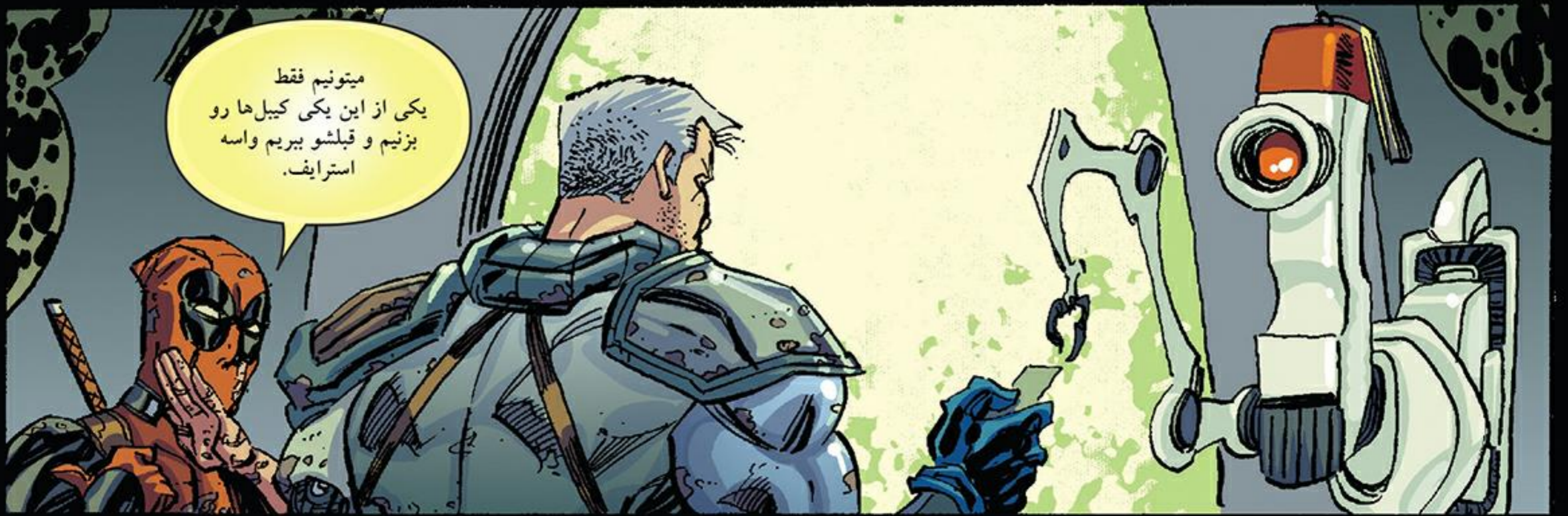
ها؟!!



و این نسخه‌های
من هم نمیخوان بیشتر
از چیزی که باید، راجع به کاری
که داریم انجام میدیم
بدونن.



من باید
پیر مردو بینم.



میتونیم فقط
یکی از این یکی کیبل‌ها رو
بزنیم و قبلشو ببریم واسه
استرایف.



ما خطوط
زمانی رو از بین
نمیریم. ما درستشون
میکنیم.

البته خیلی هم
چیزی که گفتی از
چیزی که کیبل تو سرش
داره دور نبود، ددپول.



باید قلب من
باشه. از بدن خودم.
نمیتونه فقط یکی شانسی
از یه دنیا دیگه باشه.



نمیتونیم ریسک گول
زدن استرایفو کنیم. اون باید
اصل جنسو بگیره.

کارت خوبه.

مرسی.



اینو باید سوار شیم.

دلیل اینکه دارم انقدر محتاطانه کار میکنم اینه که باید مطمئن بشیم اون منی که قلبشو "اهدا" میکنه، از به خط زمانیه که با رفتنش مشکلات خاصی به وجود نیاد.

خب اون نسخه از تو کی و کجاست؟



من زود خودمو بازنشسته میکنم.

دلم به جایو میخواد که آخر عمری نیازی نباشه کسیو بکشم یا کشته بشم.



این محشره. چرا تا حالا راجع به هیچکدوم اینا چیزی بهم نگفته بودی؟



چون هنوز ازت خوشم نیاد و هیچوقت هم بهت اعتماد نمیکنم.



چند میلیون سال دیگه میبینمت.



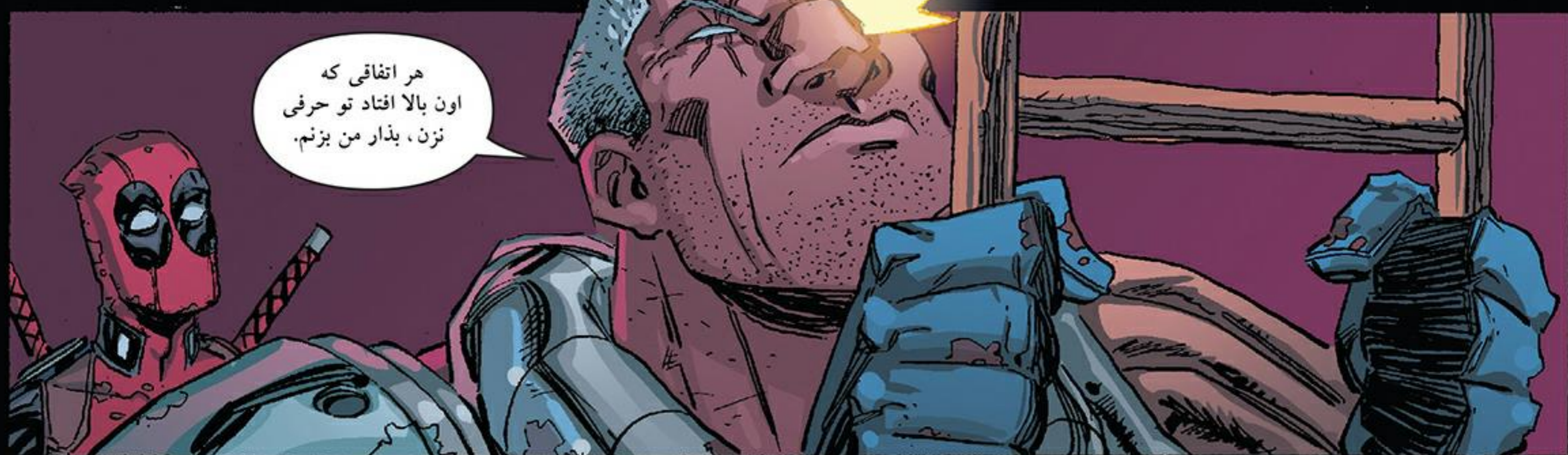


همین بود؟!

بعد تو آینده
تو توی انباری
زندگی میکنی؟

حس کنجکاویت
کو پس؟

تو الان در حدی
تو زمان سفر کردی
که تقریباً هیچکس تا
حالا نکرده.



هر اتفاقی که
اون بالا افتاد تو حرفی
نزن، بذار من بزنم.



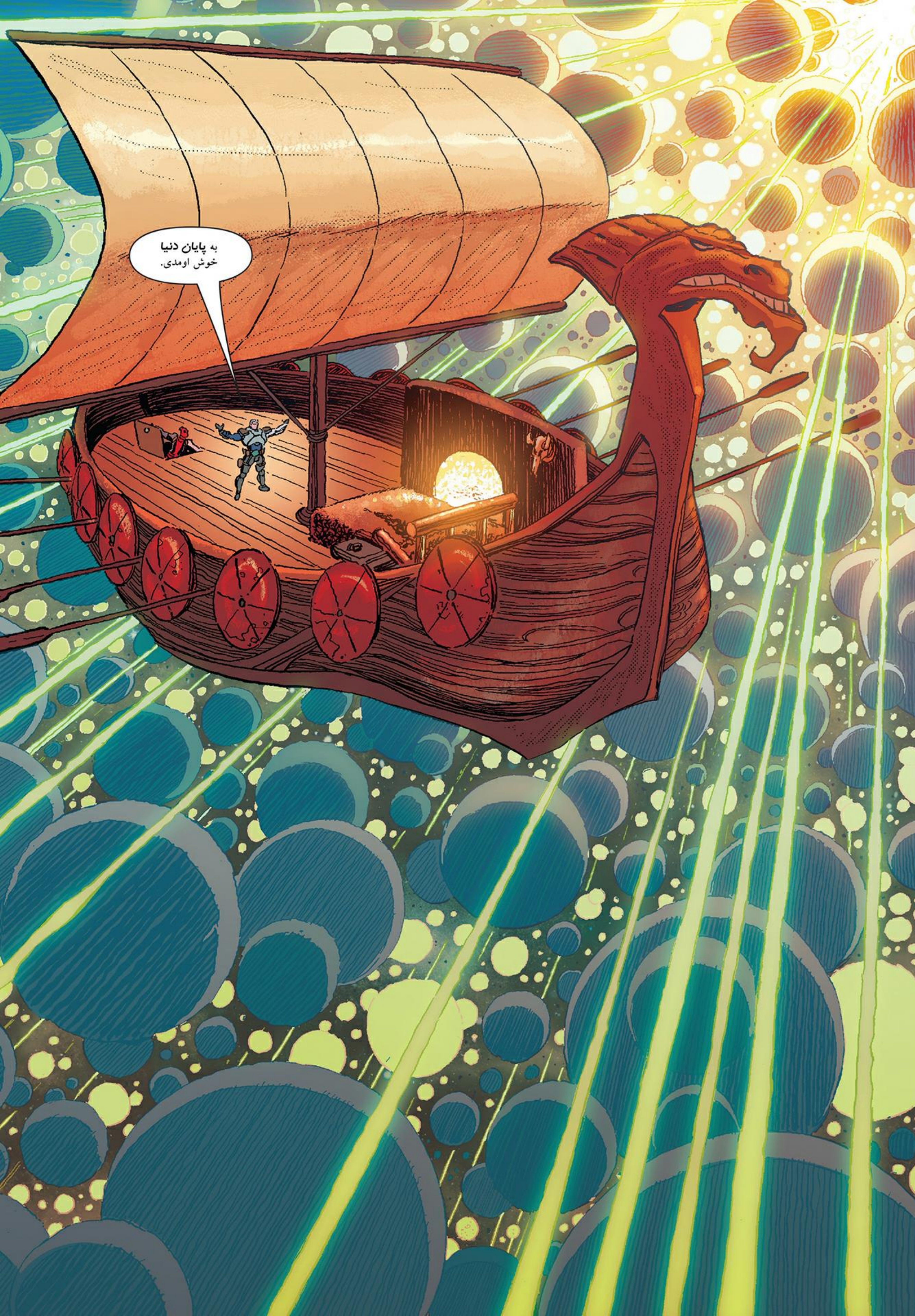
اووو، عجب
ویوی داری از این
پایین!

دارم میمیرم تا
بیتم کجاییم!

کملوت فضایی؟



بیا خودت ببین.



به پایان دنیا
خوش اومدی.



گمشد برید
خونه تون!

نگفته بودی که
این خوک هم با
خودت میاری.

چیزایی هست که
من هیچوقت بهت راجع بهشون
نگفتم. چیزایی که شاید باید
میگفتم.



فقط چند دقیقه
با مرگ کل دنیا فاصله
داریم.

همیشه دلم
میخواست بینمش.



ددپول دوست
ما نیست!

وقتی که باهات آشنا
شدیم اون سعی داشت مارو
بکشه... و الان هم سعی داره
مارو بکشه.

آروم باش
بابا بزرگ. اومدیم اینجا
حمومت کنیم و اتاقتو
مرتب کنیم.



گوش کن پیر
مرد، میفهمم که عصبانی ای،
ولی به سری مشکلات استرایف
به این رسیده. استرایف به
حقی به گردن وید داره.

اگه ما ترتیب این
وظیفه مونو به موقعش داده
بودیم، الان اون توی این موقعیت
نبود. ولی خیلی چیزای دیگه ...



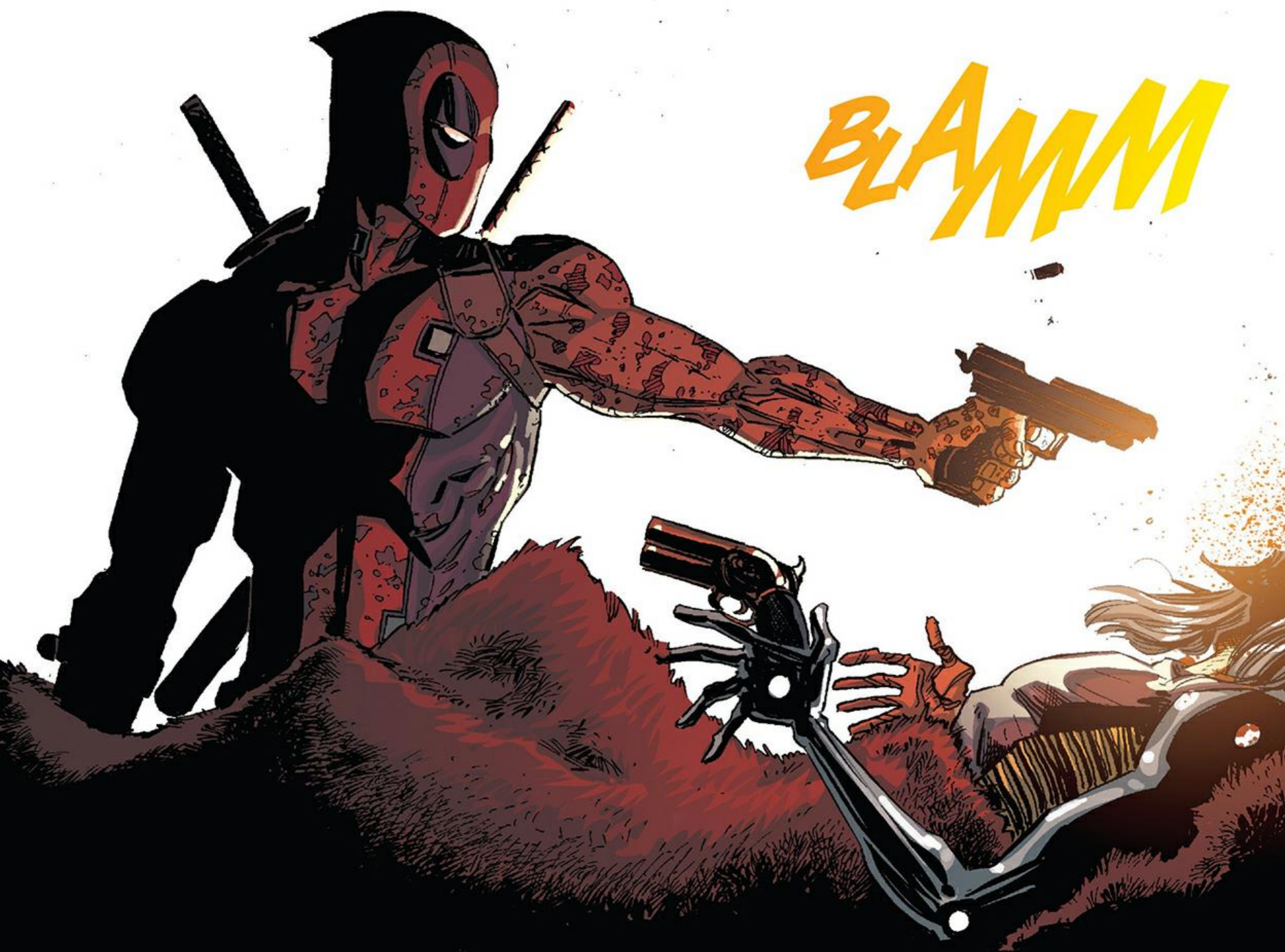
من چطوری تونستم
انقدر عمر کنم وقتی
تو انقدر ابله ای؟

میخواهی به این
آشغال به قلب بدی،
قلب خودتو بده!



من حقمه که
اینو بینم!

میخوام موقع
مرگ آخرین نور دنیا
رو روی صورتم بینم!



BLAMM



چی؟

همه‌اش داشت
ور میزد که میخواد به
نور سفید داغو قبل مرگش
بینه ...



... و
دید!



من به فرشته‌ام
نیت. به فرشته‌ی خوشگل،
از اونا که آخرین آرزوتو
برآورده میکنه.

حالا بذار
قلب قدیمتو از
تو سینهات دربیاریم
و بریم.

گمشو بابا.
من کمکت نمیکنم بدن
مرده منو ببری.

خیلییییییییییی
مناسقم، فکر میکردم
تجربیهاتی که فقط تو بتونی
تجربه کنی رو دوست
داری.

اشتباه
من بود.

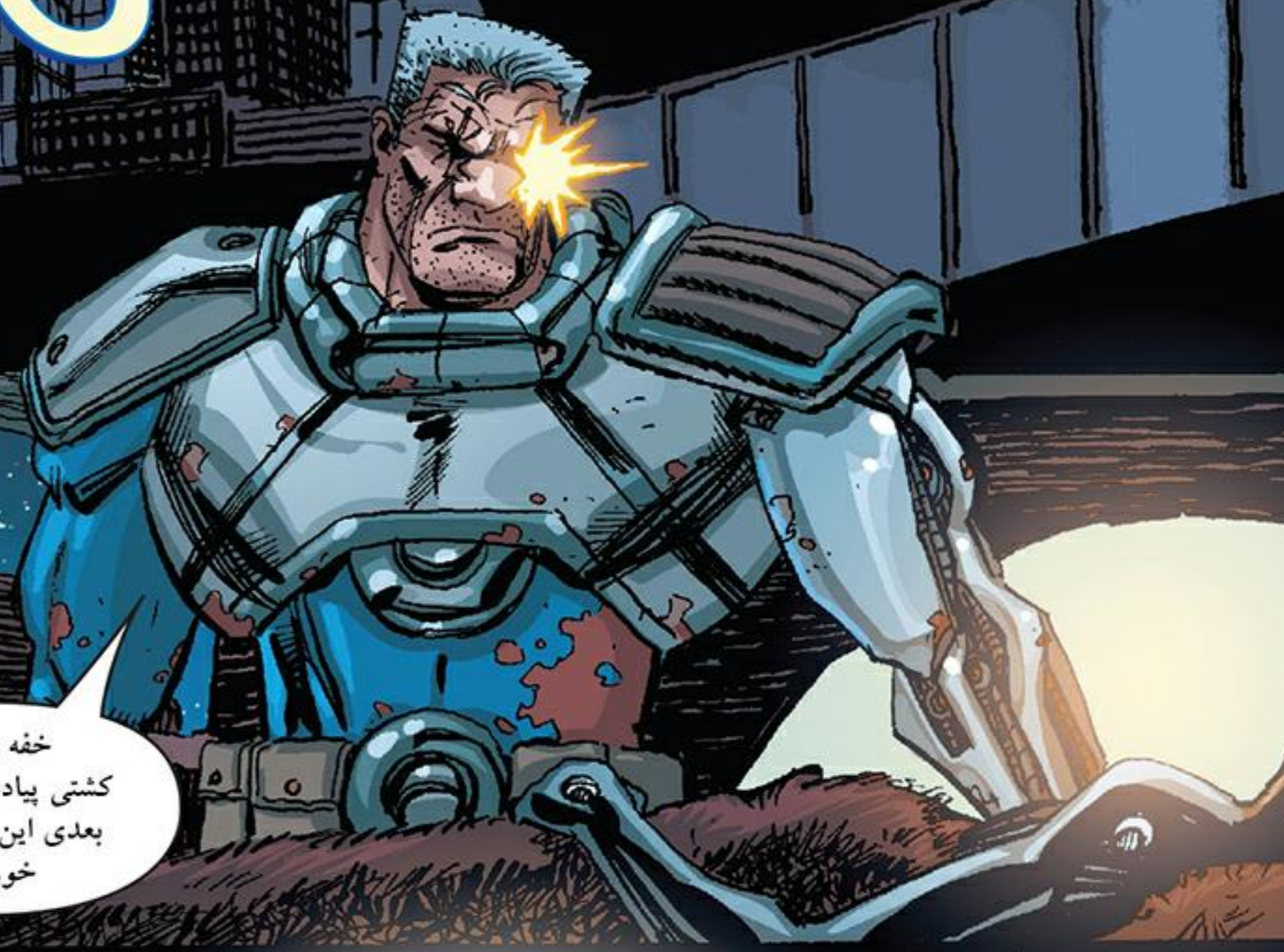
متنفرم از
اینکه آخرسر به
دست تو میمیرم.

واقعا لیاقتم
بهتر از اینه.

چیام حا
ندارن ... جایی نداری
که اینو نگه ...

نخیر!

BOOM



کیبل بزرگ واقعا از بهترین چیزای زندگی لذت میبرد ... جنس این روکش بالش معرکه‌است!

خفه شو و از کشتی پیاده شد! ایستگاه بعدی این ماشین زمان خورشیده.



باشه رفیق.
از اینجا کار به بعد با من دیگه. سلامتو به داداش دوقلوی شیطانیت میرسونم.



ترجیح میدم به هیتلر به ماشین زمان بدم تا اینکه بذارم تو تنهایی بری با استرایف رودرو شی.

فقط یه دلیل وجود داره که استرایف ازت خواسته قلب منو براش بری.

میخواه بزنه تو کار کازپلی؟

میخواه برگرده تو کار کلون سازی!

قسمت بعدی

MARVEL LEGACY DEADPOOL KILLS CABLE



the DESPICABLE
DEADPOOL



THE DESPICABLE DEADPOOL #291



دورنما از
آزاد

ترجمه شده توسط:

کمیک سیتی

مرجع دانلود کمیک های ترجمه شده

 www.comic-city.ir

 @ComicCityIR

 @ComicCityIR



BatMan



The Flash



Deadpool



Assassins
Creed



Arrow



Ant-Man



Spiderman